

Explaining the Effectiveness of United Nations Security Council Decisions in Afghanistan: A Volatile Compliance Model of Fragile States (1991–2021)

Ali Bogheiry¹

DOI: [10.48308/piaj.2026.239944.1802](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.239944.1802) Received: 2025/10/26 Accepted: 2026/6/21

Original Article

Extended Abstract

Introduction: Over the past three decades, Afghanistan has remained a fixture on the agenda of the United Nations Security Council (UNSC). From the imposition of sanctions on the Taliban in 1999 and the authorization of international military interventions, to the establishment of the United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA), support for the Islamic Republic, and the management of the geopolitical fallout following the Taliban's return to power, the Security Council has adopted numerous resolutions addressing security, political, humanitarian, and peacebuilding crises. Nevertheless, persistent political instability, the expansion of insurgent networks, and the ultimate collapse of the republican regime in 2021 raise a critical analytical question: To what extent have Security Council decisions influenced developments in Afghanistan, and which structural factors determined their efficacy? This study examines the variables that shaped the impact of UNSC decisions in Afghanistan, focusing on the roles that domestic, regional, and international actors played in their implementation or obstruction. To address this query, the article formulates the *Volatile Compliance Model in Fragile States*. Integrating Fragile State Theory, International Compliance Theory, Constructivism, Dependency Theory, and Realism, this model argues that compliance with international institutional mandates within fragile states is neither uniform nor linear. Instead, it is conditioned by state capacity, societal normative cleavages, intra-elite competition, governmental dependence on external patrons, and systemic rivalries among regional and international powers. Consequently, weaker institutional cohesion and fragmented state authority produce highly volatile, fractured compliance with international law.

1. Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran. bogheyri@abu.ac.ir



Methods: This study employs a mixed-methods research design, combining qualitative descriptive-analytical inquiry with quantitative survey data. Empirical data were gathered through structured questionnaires distributed to university professors and researchers across Kabul, Herat, and Balkh provinces. Because the collected data did not exhibit a normal distribution, Spearman's rank-order correlation coefficient (ρ) was utilized to systematically evaluate the statistical relationships between the variables. Within this analytical framework, the perceived efficacy of United Nations Security Council decisions serves as the dependent variable, while the strategic behaviors of domestic, regional, and international actors constitute the independent variables.

Results and Discussion: The empirical findings demonstrate that compliance with Security Council resolutions in Afghanistan was highly asymmetric across different tiers of actors. The state executive branch, formalized political parties, and civil society organizations exhibited the highest levels of normative convergence with UNSC mandates. Conversely, anti-government armed groups—most notably the Taliban and the Haqqani Network—demonstrated profound structural divergence and resistance. At the regional level, the behavior of neighboring states was driven less by the legal legitimacy of Security Council resolutions than by realist geopolitical and security calculus. Statistical correlations confirm that the relative success or failure of UNSC mandates in Afghanistan was path-dependent, relying heavily on the interlocking patterns of compliance, neutrality, or active resistance among interconnected domestic and external stakeholders.

Conclusion: The primary theoretical contribution of this study is the conceptualization of the *Volatile Compliance Model in Fragile States*. This model proves that in conflict-affected, fragile polities, the impact of international institutions is structurally bounded by both the host state's capacity to project sovereign authority and the willingness of peripheral actors to cooperate with international peace objectives. Ultimately, the Afghan trajectory serves as a definitive case study illustrating the limits of global governance when international institutional mandates confront fragmented, fragile states defined by enduring instability, contested legitimacy, and weak domestic institutions.

Keywords: Afghanistan; United Nations Security Council; Fragile State; International Compliance; Volatile Compliance Model.

Citation: Bogheiry, Ali. 2026. Explaining the Effectiveness of United Nations Security Council Decisions in Afghanistan: A Volatile Compliance Model of Fragile States (1991–2021), *Political and International Approaches*, Summer, Vol 18, No 2, PP 137-161.



تبیین میزان نفوذ تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان بر اساس مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده (۱۹۹۱-۲۰۲۱)

علی بغیری^۱

DOI: [10.48308/piaj.2026.239944.1802](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.239944.1802)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۳۱

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: افغانستان طی سه دهه گذشته یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است. از آغاز تحریم طالبان در سال ۱۹۹۹ تا تشکیل نیروهای بین‌المللی، تأسیس مأموریت کمک‌رسانی سازمان ملل در افغانستان (UNAMA)، حمایت از دولت جمهوری اسلامی افغانستان و مدیریت پیامدهای بازگشت طالبان به قدرت، شورای امنیت ده‌ها قطعنامه در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، بشردوستانه و حفظ صلح صادر کرده است. با این وجود، تداوم بی‌ثباتی سیاسی، گسترش فعالیت گروه‌های مسلح و در نهایت فروپاشی نظام جمهوری در سال ۲۰۲۱ این پرسش را مطرح می‌کند که تصمیمات شورای امنیت تا چه اندازه توانسته‌اند بر تحولات افغانستان اثرگذار باشند و چه عواملی میزان نفوذ این تصمیمات را تعیین کرده‌اند. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که میزان نفوذ تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل در افغانستان تابع چه متغیرهایی بوده و بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چه نقشی در اجرای یا عدم اجرای این تصمیمات ایفا کرده‌اند. برای پاسخ به این پرسش، مقاله چارچوبی نظری با عنوان «مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده» ارائه می‌کند. این مدل با تلفیق نظریه دولت شکننده، نظریه تبعیت بین‌المللی، سازه‌انگاری، نظریه دولت وابسته و واقع‌گرایی استدلال می‌کند که در دولت‌های درمانده، تبعیت از تصمیمات نهادهای بین‌المللی فرآیندی یکپارچه و خطی نیست، بلکه تحت تأثیر ظرفیت دولت، شکاف‌های هنجاری جامعه، رقابت بازیگران داخلی، وابستگی خارجی حکومت و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. بر این اساس، هرچه دولت از انسجام نهادی و ظرفیت اعمال اقتدار کمتری برخوردار باشد، تبعیت از تصمیمات بین‌المللی نیز متزلزل‌تر و چندپاره‌تر خواهد بود.

روش: روش پژوهش ترکیبی از رویکرد توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. داده‌های تجربی از طریق پرسشنامه میان استادان دانشگاهی سه ولایت کابل، هرات و بلخ گردآوری شده است. برای سنجش روابط میان متغیرها، با توجه به عدم نرمال بودن داده‌ها، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. متغیر وابسته پژوهش «نفوذ

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران. bogheyri@abu.ac.ir



تصمیمات شورای امنیت» و متغیرهای مستقل شامل طیفی از بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان تبعیت از تصمیمات شورای امنیت در افغانستان میان بازیگران مختلف یکسان نبوده است. قوه مجریه، احزاب رسمی و نهادهای جامعه مدنی بیشترین همگرایی را با تصمیمات شورای امنیت داشته‌اند، در حالی که طالبان، شبکه حقانی و سایر گروه‌های مسلح مخالف دولت بیشترین واگرایی را نشان داده‌اند. در سطح منطقه‌ای نیز رفتار بازیگران بیش از آنکه تابع مشروعیت حقوقی قطعنامه‌ها باشد، متأثر از ملاحظات ژئوپلیتیکی و امنیتی بوده است. نتایج آزمون‌های آماری مؤید آن است که موفقیت یا ناکامی تصمیمات شورای امنیت در افغانستان بیش از هر چیز به الگوی تبعیت یا مقاومت شبکه‌ای از بازیگران داخلی و خارجی وابسته بوده است.

نتیجه‌گیری: نوآوری نظری پژوهش در ارائه مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده است. این مدل نشان می‌دهد که در دولت‌های بحران‌زده، میزان نفوذ نهادهای بین‌المللی تابع ظرفیت دولت برای اعمال اقتدار و میزان همراهی بازیگران مؤثر با اهداف بین‌المللی است. از این منظر، تجربه افغانستان نمونه‌ای مهم از محدودیت‌های حکمرانی بین‌المللی در مواجهه با دولت‌های درمانده و چندپاره محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: افغانستان، شورای امنیت سازمان ملل، دولت درمانده، تبعیت بین‌المللی، مدل تبعیت متزلزل.

استناددهی: بغیری، علی. ۱۴۰۵. تبیین میزان نفوذ تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان بر اساس مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده (۱۹۹۱-۲۰۲۱)، تابستان، سال ۱۸، شماره ۲، ۱۶۱-۱۳۷.



مقدمه

بر اساس منشور ملل متحد، به‌ویژه فصل‌های ششم و هفتم، قطعنامه‌های شورای امنیت به چهار دسته تقسیم می‌شوند: (۱) قطعنامه‌های توصیه‌ای (غیرالزام‌آور/فصل ششمی) برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، (۲) قطعنامه‌های الزام‌آور (فصل هفتمی) برای مقابله با تهدید، نقض یا تجاوز به صلح که با تحریم‌ها یا مجوز استفاده از نیروی نظامی همراه‌اند، (۳) قطعنامه‌های مربوط به عملیات حفظ صلح برای ایجاد، تمدید یا اصلاح مأموریت‌هایی مانند UNAMA و UNIFIL و (۴) قطعنامه‌های اداری و سازمانی درباره موضوعاتی چون عضویت کشورها، انتخاب دبیرکل و آیین‌نامه‌ها (Assembly, 2014; Sonnenfeld, 2024).

براساس اطلاعات سازمان ملل، شورای امنیت تا سپتامبر ۲۰۲۵ بیش از ۲۷۰۰ قطعنامه صادر کرده است. اگرچه به دلیل همپوشانی موضوعی، آمار دقیقی از سهم هر دسته وجود ندارد، برآوردها نشان می‌دهد حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد قطعنامه‌ها توصیه‌ای، ۴۰ تا ۴۵ درصد الزام‌آور، ۲۰ تا ۲۵ درصد مربوط به حفظ صلح و کمتر از ۵ درصد اداری هستند (UN, Resolutions adopted by the Security Council in 2025). افغانستان از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه شورای امنیت بوده و تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰ قطعنامه، عمدتاً برای تمدید مأموریت UNAMA درباره آن صادر شده است (UN, Resolutions adopted by the Security Council in 2025). اهمیت افغانستان برای شورای امنیت به چند عامل بازمی‌گردد: تداوم جنگ‌های داخلی و فعالیت طالبان، القاعده و داعش که این کشور را به یکی از کانون‌های تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تبدیل کرده است؛ تبدیل شدن افغانستان به مرکز توجه جامعه جهانی پس از حملات ۱۱ سپتامبر و صدور قطعنامه‌هایی چون ۱۳۷۸ و ۱۳۸۶ (۲۰۰۱)؛ نقش این کشور در تولید و قاچاق مواد مخدر که به تأمین مالی گروه‌های تروریستی کمک می‌کند (Khoruk, 2024; UN, Office on Drug and Crime, 2025; Yong, 2023)؛ موقعیت ژئوپلیتیکی آن در مجاورت ایران، پاکستان، چین و آسیای مرکزی؛ تداوم مأموریت UNAMA از سال ۲۰۰۲ برای حمایت از صلح، کمک‌های بشردوستانه و بازسازی کشور (عادل، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۳) و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که شورای امنیت کوشیده از تبدیل آن به جنگ‌های نیابتی جلوگیری کند.

با وجود این تلاش‌ها، شواهد نشان می‌دهد شورای امنیت در تحقق اهداف خود در افغانستان موفق نبوده است. تداوم ناامنی و تروریسم در دوره جمهوریت (۲۰۰۴-۲۰۲۱) و فروپاشی نظام جمهوری در سال ۲۰۲۱، هنگامی که طالبان قدرت را در دست گرفت، از ناکامی برنامه‌های بین‌المللی حکایت دارد، زیرا یکی از مهم‌ترین بازیگران تهدیدکننده مورد اشاره در قطعنامه‌های شورای امنیت به حاکمیت رسید. با این حال، تبیین این ناکامی را نمی‌توان به یک یا دو بازیگر محدود کرد (طالبی، ۱۳۹۲: ۱۷). بنابراین، برای فهم چرایی عدم موفقیت تصمیمات شورای امنیت، باید میزان همراهی یا مخالفت بازیگران داخلی و خارجی، رسمی و غیررسمی، با این قطعنامه‌ها بررسی شود.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به نقش شورای امنیت سازمان ملل در افغانستان را می‌توان در سه دسته جای داد. نخست، پژوهش‌های مرتبط با دولت‌سازی و ملت‌سازی پس از ۲۰۰۱؛ دوم، مطالعات ارزیاب عملکرد سازمان ملل و شورای امنیت در مدیریت بحران افغانستان؛ و سوم، تحقیقات مربوط به دولت‌های شکننده، مشروعیت سیاسی و ظرفیت دولت.

در دسته نخست، بارنت رویین در مقاله «صلح‌سازی و دولت‌سازی در افغانستان» مهم‌ترین موانع موفقیت دولت‌سازی را پراکندگی اقتدار سیاسی، رقابت بازیگران داخلی و ناهمگونی اهداف بازیگران بین‌المللی می‌داند. به اعتقاد وی، دولت افغانستان پس از ۲۰۰۱ از ظرفیت لازم برای اعمال اقتدار در سراسر کشور برخوردار نبود و همین امر اجرای سیاست‌های مورد حمایت جامعه بین‌المللی را با دشواری مواجه ساخت (Rubin, 2006: 175-178).

در همین راستا، سارکه و همکاران در پژوهش «صلح‌سازی منازعه‌آمیز در افغانستان» نشان می‌دهند که بازسازی افغانستان پس از توافق بن علاوه بر چالش‌های امنیتی، با رقابت بازیگران داخلی و تعارض منافع قدرت‌های خارجی روبه‌رو بود. آنان نتیجه می‌گیرند که فرایند دولت‌سازی از ابتدا ماهیتی منازعه‌آمیز داشته و نهادهای رسمی نتوانسته‌اند انحصار مشروع قدرت را به دست آورند (Suhrke et al., 2004: 21-27).

دسته دوم به عملکرد سازمان ملل متحد و شورای امنیت اختصاص دارد. سایکال در مقاله «سازمان ملل متحد و افغانستان» استدلال می‌کند که اگرچه سازمان ملل در ایجاد ساختارهای اولیه دولت پس از سقوط طالبان نقش مؤثری ایفا کرد، اما در استقرار حکمرانی پایدار و نظم سیاسی باثبات موفقیت محدودی داشت. به باور وی، شکاف میان اهداف بین‌المللی و واقعیت‌های اجتماعی افغانستان از مهم‌ترین عوامل ناکامی نسبی سیاست‌های بین‌المللی بوده است (Saikal, 2012: 220-226).

گزارش‌های دیرکل سازمان ملل نیز به‌طور مستمر بر پیوند میان امنیت، ظرفیت دولت و موفقیت مأموریت‌های بین‌المللی تأکید کرده‌اند. در گزارش سال ۲۰۰۴ تصریح شده است که بدون تقویت ظرفیت‌های امنیتی و اداری دولت افغانستان، تحقق اهداف شورای امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود (United Nations, 2004: 3-6).

دسته سوم شامل پژوهش‌های مربوط به دولت شکننده و مشروعیت سیاسی است. نعمت‌الله بیژن در مطالعه «ایجاد مشروعیت و ظرفیت دولت در شکنندگی مزمن» نشان می‌دهد که دولت افغانستان با ضعف مشروعیت، محدودیت ظرفیت مالی و اداری، وابستگی شدید خارجی و آسیب‌پذیری امنیتی روبه‌رو بوده است. وی نتیجه می‌گیرد که شکنندگی دولت تنها ناشی از ضعف نهادی نیست، بلکه به بحران مشروعیت و ناتوانی دولت در ایجاد پیوند پایدار با جامعه نیز مربوط می‌شود (Bizhan, 2018: 5-12).

همچنین زوخرد در پژوهش خود درباره اثربخشی کمک‌های بین‌المللی در افغانستان نشان می‌دهد که میان اهداف بازیگران بین‌المللی و ترجیحات بازیگران داخلی شکاف معناداری وجود داشته است. به اعتقاد وی، حتی در شرایط برخورداری از منابع مالی و حمایتی گسترده، عدم همسویی دولت، جامعه و بازیگران خارجی مانع تحقق اهداف مورد نظر شده است (Zürcher, 2012: 462-468).

مرور ادبیات نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های متعددی درباره دولت‌سازی، عملکرد سازمان ملل، مشروعیت دولت و بحران افغانستان انجام شده است، اما اغلب آنها دارای دو کاستی اساسی هستند: نخست، دولت را بازیگری نسبتاً یکپارچه فرض کرده و به چندپارگی تبعیت میان بازیگران مختلف داخلی توجه کافی نداشته‌اند؛ دوم، رابطه میان تصمیمات شورای امنیت و میزان تبعیت شبکه‌ای از بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌صورت همزمان بررسی نکرده‌اند. ازاین‌رو، خلأ اصلی ادبیات موجود فقدان مدلی نظری برای تبیین الگوی تبعیت نامتوازن بازیگران در دولت‌های درمانده است. پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را از طریق ارائه «مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده» پر کرده و نشان دهد که موفقیت یا ناکامی تصمیمات شورای امنیت در افغانستان بیش از آنکه به قدرت حقوقی قطعنامه‌ها وابسته باشد، تابع میزان تبعیت یا مقاومت شبکه‌ای از بازیگران مؤثر در ساختار قدرت این کشور است.

۲. چهارچوب مفهومی تحقیق: مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده

برخلاف احزاب، گروه‌ها و شرکت‌ها که در پی تأمین منافع حزبی، قومی، مذهبی یا صنفی هستند، دولت واحدی حقوقی به نمایندگی از مصلحت عمومی است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۷) که بر قلمرو، جمعیت، حکومت و انحصار قدرت استوار است (عالم، ۱۳۸۳: ۱۳۷). این عناصر در گذر زمان شکل می‌گیرند و دولت را به نماینده ملت در عرصه داخلی و بین‌المللی تبدیل می‌کنند. ازاین‌رو، هیچ نهاد یا نیروی بین‌المللی قادر به ایجاد دولت نیست و تنها می‌تواند آن را شناسایی کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۲۰۰).

با این حال، بسیاری از دولت‌ها تنها به‌صورت حقوقی وجود دارند و به دلیل ضعف برخی عناصر بنیادین، در زمره دولت‌های درمانده قرار می‌گیرند. این دولت‌ها از بحران مشروعیت و کارآمدی رنج می‌برند و با بی‌ثباتی مزمن مواجه‌اند. نگرانی از سرایت این بی‌ثباتی به سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه مداخله نهادهای بین‌المللی را فراهم می‌سازد. این مداخلات می‌تواند از کمک‌های فنی، مالی، امنیتی و اطلاعاتی تا تحریم، فشار سیاسی و حتی مداخله نظامی برای کنترل سیاسی یا تغییر حکومت را دربرگیرد.

تبیین میزان تبعیت دولت‌های درمانده از تصمیمات نهادهای بین‌المللی مستلزم چارچوبی نظری است که ضعف ساختاری دولت، شکاف‌های هنجاری جامعه، رقابت بازیگران داخلی و فشارهای بین‌المللی را همزمان توضیح دهد. نظریه‌های کلاسیک روابط بین‌الملل معمولاً دولت را بازیگری یکپارچه، عقلانی و دارای ظرفیت اجرایی کافی فرض می‌کنند؛ در حالی که در بسیاری از کشورهای بحران‌زده، دولت از انسجام نهادی، انحصار خشونت و مشروعیت اجتماعی کافی برخوردار نیست. در چنین شرایطی، تبعیت از تصمیمات بین‌المللی ماهیتی نوسانی و چندپاره دارد. بر این اساس، مقاله حاضر «مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده» را با ترکیب نظریه دولت شکننده، تبعیت بین‌المللی، سازه‌انگاری، دولت وابسته و واقع‌گرایی ارائه می‌کند.

نخستین پایه این مدل، نظریه «دولت شکننده» است. در این رویکرد، دولت زمانی شکننده تلقی می‌شود که توانایی اعمال اقتدار مؤثر، حفظ انحصار زور، تأمین امنیت و ارائه خدمات عمومی را از دست

بدهد. روتبرگ دولت‌های شکست‌خورده را دولت‌هایی می‌داند که دیگر قادر به ارائه «کالاهای سیاسی» بنیادین نیستند (Rotberg, 2004: 3). در چنین شرایطی اقتدار میان بازیگران قومی، مذهبی، قبیله‌ای و شبه‌نظامی توزیع می‌شود. میگدال نیز در نظریه «دولت در جامعه» تأکید می‌کند که در بسیاری از جوامع جهان سوم، دولت تنها یکی از بازیگران قدرت است و گروه‌های اجتماعی مختلف نیز در اعمال کنترل اجتماعی نقش دارند (Migdal, 1988: 22). به اعتقاد وی، دولت‌های ضعیف توانایی نفوذ در جامعه، تنظیم روابط اجتماعی و اعمال اقتدار یکنواخت را از دست می‌دهند (Migdal, 1988: 4). بنابراین، دولت درمانده عرصه رقابت بازیگران متعدد است و تبعیت آن از تصمیمات بین‌المللی نیز ماهیتی متزلزل پیدا می‌کند. بر این اساس، هرچه ظرفیت دولت در اعمال حاکمیت، کنترل سرزمینی و انحصار خشونت کاهش یابد، تبعیت از تصمیمات نهادهای بین‌المللی نیز ناپایدارتر خواهد شد.

بخش دوم مدل به نظریه «تبعیت بین‌المللی» مربوط می‌شود. برخلاف رئالیست‌ها که عدم تبعیت را ناشی از تعارض منافع می‌دانند، نظریه مدیریتی تبعیت بر ضعف ظرفیت نهادی، ابهام قواعد و محدودیت‌های اجرایی تأکید دارد (Chayes & Chayes, 1995: 10). این مسئله در دولت‌های درمانده اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا حکومت علاوه بر ضعف بروکراتیک، از انسجام درونی نیز برخوردار نیست. آلیسون در مدل «سیاست بروکراتیک» رفتار حکومت‌ها را حاصل رقابت نهادها و بازیگران مختلف درون ساختار قدرت می‌داند (Allison & Zelikow, 1999: 307). از این رو، ممکن است بخشی از حکومت از اجرای تصمیمات شورای امنیت حمایت کند و بخش دیگر در برابر آن مقاومت نشان دهد. بر این اساس، تبعیت نه تصمیمی واحد، بلکه حاصل رقابت میان نهادهای حکومتی و بازیگران اجتماعی است. در این وضعیت، قوه مجریه معمولاً بیشترین همراهی را با نهادهای بین‌المللی دارد، نهادهای محلی، قومی و امنیتی مقاومت بیشتری نشان می‌دهند و گروه‌های مسلح غیردولتی بیشترین مخالفت را ابراز می‌کنند.

مدل حاضر علاوه بر ضعف نهادی، نقش هنجارها و هویت‌های اجتماعی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. سازه‌انگاری معتقد است رفتار دولت‌ها صرفاً تابع منافع مادی نیست، بلکه هویت‌ها، ارزش‌ها و هنجارها نیز در شکل‌گیری رفتار سیاسی نقش دارند. ونت تأکید می‌کند که ساختار نظام بین‌الملل بر اساس برداشت بازیگران معنا می‌یابد (Wendt, 1999: 395) و فینمور نیز هنجارها را عامل شکل‌دهنده منافع دولت‌ها می‌داند (Finnemore, 1996: 2). بنابراین، هرچه شکاف میان هنجارهای بین‌المللی و هنجارهای اجتماعی جامعه بیشتر باشد، احتمال مقاومت در برابر تصمیمات بین‌المللی افزایش می‌یابد. در چنین وضعیتی، گروه‌های مخالف از ایدئولوژی برای مشروعیت بخشی به مقاومت خود بهره می‌گیرند و تصمیمات بین‌المللی را ابزار سلطه خارجی معرفی می‌کنند. از این رو، حتی در صورت تمایل حکومت به همکاری، بخش‌هایی از جامعه و ساختار سیاسی ممکن است در برابر اجرای این تصمیمات مقاومت کنند. چهارمین مؤلفه مدل، نظریه «دولت وابسته» است. این نظریه توضیح می‌دهد که دولت‌های ضعیف برای دریافت حمایت امنیتی و اقتصادی، بخشی از استقلال خود را واگذار می‌کنند (Lake, 2009: 74). در نتیجه، حکومت برای بقا به حمایت خارجی وابسته شده و قوه مجریه بیشترین همراهی را با تصمیمات نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد. با این حال، همین وابستگی شکاف میان دولت و جامعه را تشدید کرده

و مخالفان، حکومت را فاقد مشروعیت ملی معرفی می‌کنند. بنابراین، هرچه وابستگی خارجی بیشتر باشد، همراهی رسمی حکومت افزایش می‌یابد، اما همزمان مقاومت نیروهای اجتماعی و گروه‌های مسلح نیز تشدید می‌شود.

در نهایت، رهیافت واقع‌گرایی برای تبیین رفتار بازیگران خارجی به کار گرفته می‌شود. از دیدگاه واقع‌گرایان، دولت‌ها بر اساس منافع ملی و ملاحظات امنیتی عمل (Waltz, 1979: 91). بنابراین، دولت‌های منطقه‌ای در قبال تصمیمات نهادهای بین‌المللی در کشورهای بحران‌زده، بیش از هر چیز منافع ژئوپلیتیکی خود را مدنظر قرار می‌دهند. اگرچه نگرانی از گسترش بی‌ثباتی، تروریسم و مهاجرت می‌تواند آن‌ها را به همکاری با نهادهای بین‌المللی سوق دهد، اما در نهایت منافع ملی تعیین‌کننده رفتار آن‌ها خواهد بود. در سطح بین‌المللی نیز قدرت‌های حامی نظم موجود از تصمیمات شورای امنیت حمایت می‌کنند، در حالی که قدرت‌های رقیب از نیروهای معارض پشتیبانی می‌نمایند. از این‌رو، میزان تبعیت از تصمیمات بین‌المللی در دولت‌های درمانده نه تنها به ویژگی‌های داخلی دولت، بلکه به رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز وابسته است.

تصویر ۲: مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های درمانده



منبع: نگارنده با بهره بردن از نظریات

۳. روش پژوهش

این پژوهش با تمرکز بر دوره ۲۰۲۱-۱۹۹۲ (از فروپاشی شوروی تا حاکمیت طالبان) از ترکیب روش‌های توصیفی و آماری بهره گرفته و شناسایی متغیرها با روش توصیفی و ارزیابی آن‌ها با روش آماری انجام شده است. جامعه آماری شامل ۱۵۰ نفر^۱ از اساتید دانشکده‌های علوم رفتاری و علوم انسانی در سه ولایت کابل، هرات و بلخ در سال ۲۰۲۰ بوده است. تخصصی بودن موضوع، رجوع به دیدگاه‌های اساتید این رشته‌ها را ضروری می‌ساخت. انتخاب این سه ولایت نیز به دلیل جمعیت بالا، سطح پیشرفته‌تر آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به سایر ولایات افغانستان و همچنین هم‌مرز بودن هرات و بلخ با کشورهای همسایه و آسیای مرکزی صورت گرفته است (Worldometer, 2020).

نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شد و بر اساس جدول مورگان حجم نمونه ۱۰۸ نفر برآورد گردید، اما در نهایت ۱۱۵ پرسشنامه تکمیل شد. پرسش‌ها بر مبنای طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (خیلی موافقم تا خیلی مخالفم) تنظیم شدند. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و بر اساس محدوده ضرایب مندرج در جدول مربوطه سنجیده شد.

جدول ۲: تفسیر ضرایب آلفای کرونباخ

مقدار آلفا (α)	میزان پایایی	تفسیر	منبع
$\alpha < 0.50$	بسیار ضعیف	ابزار پایایی بسیار پایین دارد و باید بازنگری شود.	Nunnally, 1978; George & Mallery, 2003
$0.50 \leq \alpha < 0.60$	ضعیف	پایایی ضعیف؛ فقط در مطالعات اکتشافی اولیه ممکن است پذیرفتنی باشد.	Hair et al., 2019
$0.60 \leq \alpha < 0.70$	قابل قبول (حداقل)	پایایی نسبتاً قابل قبول برای پژوهش‌های مقدماتی.	Nunnally & Bernstein, 1994
$0.70 \leq \alpha < 0.80$	خوب	پایایی مناسب برای پژوهش‌های علوم اجتماعی و رفتاری.	George & Mallery, 2003
$0.80 \leq \alpha < 0.90$	بسیار خوب	ابزار از ثبات داخلی بالایی برخوردار است.	Tavakol & Dennick, 2011
$\alpha \geq 0.90$	عالی (اما احتمال هم‌پوشانی بیش از حد)	پایایی بسیار بالا، اما ممکن است نشانگر سؤالات تکراری باشد.	Streiner, 2003; Tavakol & Dennick, 2011

۱. به دلیل عدم وجود منبع معتبر، آمار تخمینی و برگرفته از وبسایت رسمی دانشگاه‌ها و نظرات دانشجویان است.

برای سنجش روایی از روش منطقی با استفاده از پایلوت ۲۰ نفره و نظرات خبرگان بهره گرفته شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و بر اساس نتایج آزمون نرمالیت انجام شد. از آنجا که نرمال بودن داده‌ها تأیید نشد، ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی روابط میان متغیرها به کار رفت. در تفسیر نتایج، ابتدا سطح معناداری بررسی می‌شود و در صورت $\text{sig} < 0.05$ رابطه معنادار تلقی می‌گردد (Gravetter, & Wall- (nau, 2020: 425). سپس مقدار ضریب اسپیرمن بر اساس جدول زیر تفسیر می‌شود.

جدول ۳: تفسیر شدت رابطه در همبستگی اسپیرمن

بازه	$0.1 < r \leq 0.3$	$0.3 < r \leq 0.5$	$0.5 < r \leq 0.7$	$0.7 < r \leq 0.9$	$0.9 < r \leq 1.0$
تفسیر	بسیار قوی	قوی	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف

منبع: Dancey, & Reidy, 2017: 179

در جدول بالا، اگر علامت + از رابطه مستقیم و علامت - از رابطه معکوس میان متغیرها خبر می‌دهد. همچنین متغیرهای ما جهت بررسی عبارتند از:

۱. **متغیر وابسته:** نفوذ تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل
 ۲. **متغیرهای مستقل:** که در دسته‌های زیر قرار دارند: الف) بازیگران داخلی که عبارتند از: (۱) اقوام، (۲) احزاب، (۳) نهادهای جامعه مدنی، (۴) دولت، (۵) گروه‌های مسلح مخالف دولت، (۶) نیروهای نظامی دولتی. ب) بازیگران خارجی که عبارتند از (۱) بازیگران منطقه‌ای و (۲) بازیگران فرامنطقه‌ای^۱. متغیرهای مستقل با توجه به ادبیات موجود و نظر کارشناسان نهایی شد. برخی متغیرها به دلیل درجه اهمیت پایین حذف شدند.
- این متغیرها بازیگرانی هستند به غیر از شورای امنیت، که بر اجرای تصمیمات آن مؤثر هستند.

۱. هر یک از این دسته‌ها زیرمجموعه‌هایی دارند که در کل ۴۰ متغیر می‌شوند (رجوع به جدول ۸).

۴. بازیگران

با توجه به متغیرهای مستقل مهمترین بازیگران داخلی و خارجی برای بررسی در زیر فهرست گردیده‌اند.^۱

جدول ۴: اقوام افغانستان

نام	درصد از جمعیت (حدود)	مناطق عمده سکونت
پشتون	۴۵-۳۵	جنوب و شرق (قندهار، هلمند، زابل، قندهار، ارزگان، پکتیا، پکتیکا و نواحی مرزی پاکستان)
تاجیک	۲۷-۲۰	شمال شرق و غرب هندوکش، شهرهای بزرگ (هرات، کابل، مزار شریف)، مناطقی مثل بدخشان، تخار، سرپل/سمنگان
هزاره	۱۲-۸	ولایت بامیان، دایکندی، غزنی و همچنین بخش‌های مهاجرنشین در کابل، مزار شریف، غزنی
ازبک	۱۰-۷	شمال ولایت‌هایی مثل بلخ، جوزجان، کندز، و بخش‌هایی در میانه جمعیت ترک‌تبار شمال
ایماق	حدود ۵-۲	غرب و مرکز ولایت‌های غزنی، غور، و هرات
ترکمن	۳-۱	شمال غرب مرز با ترکمنستان
بلوچ	۲-۱	جنوب غرب (ولایت‌های مثل نیمروز، ننگرهار) و نواحی مرزی با ایران و پاکستان
نورستانی، پشه‌ای و دیگر اقوام کوچک	مجموعاً کمتر از ۲-۱	کوهستان‌های خاص و دره‌ها

منبع: Minority Rights Group و CIA World Factbook

۱. جهت رعایت حجم مقاله، از توضیح بازیگرانی که در منابع مختلف ذکر شده‌اند، اجتناب شده است.

جدول ۵: احزاب فعال افغانستان (۱۹۹۱-۲۰۲۱)

نام	گرایش	رهبران	نقش تاریخی
جمعیت اسلامی افغانستان	میانه‌روی اسلامی، بیشتر پایگاه قومی تاجیک	برهان‌الدین ربانی، احمدشاه مسعود	از احزاب اصلی مجاهدین در دوران جهاد علیه شوروی. پس از سقوط دولت کمونیستی (۱۹۹۲) ربانی رئیس‌جمهور شد. احمدشاه مسعود فرمانده شاخص «شمالی» و دشمن اصلی طالبان بود (ترور ایشان در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ مسیر را برای حمله آمریکا باز کرد). تا امروز شاخه‌ها و ائتلاف‌های مختلف آن در سیاست افغانستان نقش دارند.
حزب اسلامی افغانستان	اسلام‌گرای تند، در ابتدا شاخه‌ای از جمعیت اسلامی	گلبدین حکمتیار	در دوران جهاد علیه شوروی از پرنفوذترین گروه‌ها بود و کمک‌های زیادی از پاکستان و آمریکا دریافت کرد. پس از سقوط دولت کمونیستی (۱۹۹۲)، جنگ خونینی را با دیگر احزاب مجاهدین (به‌ویژه جمعیت اسلامی) در کابل به راه انداخت. در دهه‌های اخیر چند بار بین آشتی و تقابل با دولت مرکزی در نوسان بوده است؛ در ۲۰۱۶ توافق صلح با دولت اشرف غنی امضا کرد.
حزب وحدت اسلامی افغانستان	اسلامی شیعه، پایگاه قومی هزاره	عبدالعلی مزاری (ترور) توسط طالبان (۱۹۹۵)	در دهه آخر قرن ۲۰، به‌عنوان نماینده سیاسی و نظامی هزاره‌ها ظهور کرد. در جنگ‌های داخلی کابل نقش داشت. همواره مطالبه‌گر حقوق برابر اقلیت هزاره در ساختار قدرت بوده است. بعد از ۲۰۰۱ بخشی از نخبگان هزاره در دولت و پارلمان زیر پرچم این حزب فعال شدند.
جنبش ملی اسلامی افغانستان	سکولار-قوم‌محور، پایگاه اصلی در میان ازبک‌ها و ترک‌تباران شمال	ژنرال عبدالرشید دوستم	نیروی نظامی قدرتمند در شمال افغانستان از دهه ۱۹۹۰. ابتدا در کنار دولت کمونیستی نجیب‌الله بود، سپس به جبهه مجاهدین پیوست. در جنگ‌های داخلی ۱۹۹۰ و مقاومت علیه طالبان نقش کلیدی داشت. بعد از ۲۰۰۱، دوستم به‌عنوان رهبر قومی و مرد قدرتمند شمال در دولت‌های کرزی و غنی پست‌های ارشد گرفت.

منبع: CIA World Factbook؛ Barnett, 2013؛ Rubin, 2013؛ Dorronsoro, 2005 و Johnson, 2008

جدول ۶: نهادهای مدنی افغانستان (۱۹۹۱-۲۰۲۱)

نام نهاد	تأسیس	گستره جغرافیایی	حوزه فعالیت / مأموریت اصلی
مجمع جامعه مدنی افغانستان ^۱ (ACSFo)	حدود ۲۰۰۱	در بیش از ۲۰ ولایت افغانستان	هماهنگی و ارتباط سازمان‌های جامعه مدنی، ظرفیت‌سازی، آموزش مدنی، قانون‌گرایی، و حقوق بشر و رسانه (aicsafg.org)
موسسه جامعه مدنی افغانستان ^۲ (AICS)	۲۰۰۷	ملی	ظرفیت‌سازی CSOs ^۲ ، اعتبارسنجی نهادهای جامعه مدنی محلی، ایجاد شبکه و هماهنگی، تقویت توانایی‌های داخلی برای توسعه مدنی (aicsafg.org)
شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر ^۴ (CSHRN)	۲۰۰۴	۸۲ در کابل و هشت ولایت بزرگ (cshrn.org)	شبکه همکاری بین سازمان‌های حقوق بشر؛ نظارت بر وضعیت حقوق بشر، ترویج قانون‌مداری، گفتگو با نهادهای دولتی (Danish Institute for Human Rights, 2025)
سازمان تحقیق و توسعه جامعه (ORCD) ^۵	۲۰۱۱	بیش از ۲۰ ولایت افغانستان؛ دفاتر ولایتی؛ دفتر مرکزی در کابل	تحقیق؛ توانمندسازی جوامع؛ توسعه محلی؛ خدمات بهداشتی، آموزشی، کشاورزی؛ اجرای پروژه‌ها در همکاری با دولت و نهادهای بین‌المللی (orcd.org)
موسسه انکشاف و حمایت از زنان و کودکان افغان ^۶ (DSAWCO)	۲۰۰۱	بیشتر در کابل و بخش‌هایی از ولایات؛ فعالیت رسانه‌ای که گاهی تأثیر ملی دارد	تمرکز بر رسانه مستقل، آموزش و توانمندسازی زنان؛ توسعه فرهنگی و ارتباطاتی؛ تولید محتوا و آموزش خبرنگاری و مهارت‌های ارتباطی (dsawco.org)
موسسه حمایت از حقوق اطفال افغانستان ^۷ (ACAO)	۱۹۹۵	مراکز در کابل، مزارشریف، هرات، پاروان	حمایت از کودکان خیابانی و خانواده‌های آنها؛ آموزش ابتدایی، مهارت زندگی، فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی؛ پوشش کودکان بی‌سرپرست یا سرپرست خانوار (acaorganization.org)
کمیته سوئدی افغانستان ^۸ (SCA)	۱۹۸۰	تا پیش از بسته شدن دفاتر، در حدود ۱۷ ولایت؛ دفاتر منطقه‌ای متعدد	بخش توسعه روستایی، بهداشت، آموزش ابتدایی، توانمندسازی زنان، حمایت از افراد دارای معلولیت (sida.se)

منبع: پایگاه‌های اطلاع‌رسانی موسسات

1. Afghanistan Civil Society Forum
2. Community Schemes Ombud Service Act
3. Afghanistan Institute for Civil Society
4. Civil Society and Human Rights Network (CSHRN)
5. Organization for Research, Community and Development
6. Development and Support of Afghan women and children organization
7. Afghan Child Advocate Organization (ACAO)
8. The Swedish Committee for Afghanistan

دولت، دیگر بازیگر داخلی است که از ۵ دسته قوه مجریه، مقننه (شورای ملی)، قضائیه، پلیس و ارتش ملی تشکیل شده است. در دسته نیروهای نظامی دولتی، تعداد نیروهای پلیس به ۱۲۴۶۲۶ (Report to Congress, 2019: 76) و ارتش به ۱۸۰۰۰۰ (Odonnell, et.al., 2021: 26) رسیده بود. همچنین، مهمترین بازیگران دسته گروه‌های مسلح مخالف دولت عبارتند از طالبان با تعداد تقریبی ۸۰ هزار (Barthwal, 2021: 4)، شبکه حقانی با تعداد تقریبی ۱۰ هزار (Lurie, 2020: 6)، شاخه خراسان داعش با تعداد تقریبی ۶ هزار (European Union Agency for Asylum, April 2022) و القاعده با تعداد تقریبی ۳ هزار نفر (UN Security Council, 2022; Shahrani, 2022).

مهمترین بازیگران منطقه‌ای که از مرز مشترک و یا قرابت‌های فرهنگی و یا مجاورت منطقه‌ای برخوردار هستند عبارتند از ایران، پاکستان، هند، عربستان، چین، ترکیه، روسیه و قطر. همچنین، مهمترین بازیگران بین‌المللی که سرمایه‌گذاری و حضور زیادی داشته‌اند عبارتند از آمریکا، بریتانیا، اتحادیه اروپا و ناتو.

۵. یافته‌های پژوهش

با در نظر گرفتن مراحل انجام روش، یافته‌ها عبارتند از:

۵-۱. روایی و پایایی

روایی پرسشنامه با استفاده از روایی منطقی صورت پذیرفت. در این مرحله بعد از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، پیرامون این عوامل با ۶ نفر از اساتید دانشگاه و متخصصین مشورت گردید. همچنین پایلوت میان ۲۰ نفر از افراد نمونه صورت پذیرفت. پس از بررسی، اصلاحات گرفت و در یک جمع‌بندی سوالات قابل سنجش به مرحله نهایی رسید. همچنین، برای سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید و نتایج زیر بدست آمد:

جدول ۲: سنجش پایایی پیمایش با استفاده از آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	اعتبار احصائیه کرونباخ	تعداد آیتم‌ها
---------------	------------------------	---------------

40

0.812

0.832

در جدول بالا آلفای کرونباخ و اعتبار احصائیه کرونباخ برای ۴۰ متغیر (یک متغیر وابسته و ۳۹ متغیر مستقل) به ترتیب عبارتند از: ۰/۸۳۲ و ۰/۸۱۲. در نتیجه با توجه به جدول یک، پیمایش از پایایی یا سازگاری درونی خوبی برخوردار است.

۵-۲. روابط همبستگی

برای بررسی ضریب همبستگی ابتدا باید نوع داده‌ها را به لحاظ توزیع مورد شناسایی قرار دهیم و سپس با توجه به نتایج، نوع آزمون همبستگی مشخص می‌شود.

۵-۳. تست نرمالیت

تست نرمالیت آزمونی است که بررسی می‌کند آیا توزیع داده‌ها از نوع نرمال است یا خیر. توزیع نرمال یعنی بیشتر داده‌ها حول میانگین متمرکز هستند و شکل نمودار به صورت منحنی زنگوله‌ای^۱ است. نتایج این تست به صورت زیر است.

جدول ۸: سنجش نرمالیت با کشیدگی و چولگی

دسته	متغیر	عنوان	چولگی	کشیدگی
متغیر وابسته	Y	نفوذ تصمیمات شورای امنیت	0.032	0.42
		پشتون	0043	0.49
		تاجیک	0.064	0.076
		هزاره	0.054	0.83
		ازبک	0.063	0.129
		ایماق	0.052	0.059
		ترکمن	0.075	2.123
بازیگران داخلی/اقوام		بلوچ	0.042	1.875-
		جمعیت اسلامی افغانستان	0.124	0.385
		حزب اسلامی افغانستان	0.087-	0.582-
		حزب وحدت اسلامی افغانستان	0.075	0.878
		جنبش ملی اسلامی افغانستان	0.045	0.049

0.235	0.125	مجمع جامعه مدنی افغانستان (ACSFo)	بازیگران داخلی/ نهادهای جامعه مدنی
2.563-	1.234	موسسه جامعه مدنی افغانستان (AICS)	
2.111-	2.245-	شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر (CSHRN)	
0.648	0.053	سازمان تحقیق و توسعه جامعه (ORCD)	
1.323	1.087	موسسه انکشاف و حمایت از زنان و کودکان افغان (DSAWCO)	
0.234	2.15-	موسسه حمایت از حقوق اطفال افغانستان (ACAO)	
0.819	1.123	کمیته سوئدی افغانستان (SCA)	بازیگران داخلی/ دولت
0.0283	0.0287-	قوه مجریه	
0.853	0.189-	شورای ملی	
0.053	1.348	قوه قضائیه	
0.872	0.129	پلیس	بازیگران داخلی/ نیروهای نظامی دولتی
2.065-	0.984	ارتش	
2.034	0.765-	طالبان	بازیگران داخلی/ گروه‌های مسلح مخالف دولت
0.0876	0.0756	شبکه حقانی	
0.985	1.835	شاخه خراسان داعش	بازیگران خارجی/ منطقه‌ای
1.297	0.874	القاعده	
0.862-	0.231	جمهوری اسلامی ایران	
0.748	0.947	پاکستان	
0.957	1.956	هند	
0.728	0.756	عربستان سعودی	
0.548-	0.324-	چین	
2.894	0.897	ترکیه	
0.748-	0.867	روسیه	
0.785	0.324	قطر	

1.893-	0.564	آمریکا
0.593	1.432	بریتانیا
0.856-	0.498-	اتحادیه اروپا
0.788	0.765	ناتو

بازیگران خارجی/فرامنطقه‌ای

در نمونه‌های بزرگتر از ۱۰۰ عدد، اگر کشیدگی و چولگی در بازه (۲، ۲-) قرار داشته باشند، داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند (Gravetter, & Wallnau, 2014: 113). همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، چولگی و/یا کشیدگی متغیرهای X6، X13، X14، X17، X23، X24 و X33 در این بازه قرار ندارد و لذا تا اینجا نرمالیت تایید نمی‌شود. با این حال برای اطمینان، به آزمون دیگری نیاز است. با توجه به آنکه حجم نمونه بیش از ۵۰ است، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) پیشنهاد شده است (Field, 2018: 88-89; Ghasemi & Zahediasl, 2012: 487; Razali, & Wah, 2011: 21-23).

جدول ۹: سنجش نرمالیت با آزمون K-S

متغیر	sig	متغیر	sig	متغیر	sig	متغیر	sig	متغیر	sig	متغیر	sig	متغیر	sig	متغیر	sig
Y	0.29	X5	0.55	X10	0.44	X15	0.83	X20	0.09	X25	0.55	X30	0.93	X35	0.21
X1	0.65	X6	0.04	X11	0.07	X16	0.27	X21	0.33	X26	0.07	X31	0.07	X36	0.28
X2	0.87	X7	0.08	X12	0.79	X17	0.07	X22	0.63	X27	0.76	X32	0.46	X37	0.87
X3	0.75	X8	0.09	X13	0.01	X18	0.08	X23	0.27	X28	0.06	X33	0.02	X38	0.08
X4	0.98	X9	0.03	X14	0.87	X19	0.01	X24	0.02	X29	0.12	X34	0.65	X39	0.33

در آزمون K-S اگر $\text{sig} > 0.05$ داده‌ها نرمال هستند (Field, 2018: 87-88; Ghasemi, & Zahediasl, 2012: 486-489). همان‌طور که می‌بینیم X6، X9، X13، X19، X24 و X33 کمتر از این مقدار هستند. لذا، با انجام این آزمون با اطمینان زیادی داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند و لذا برای سنجش روابط همبستگی باید از آزمون‌های ناپارامتریک، همچون ضریب اسپیرمن، استفاده نمود.

۶. بحث و تحلیل یافته‌ها بر اساس مدل تبعیت متزلزل

ضریب همبستگی اسپیرمن معیاری آماری است که شدت و جهت رابطه‌ی خطی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. دامنه ضرایب همبستگی از -۱ تا +۱ تغییر می‌کند. هرچه ضریب به عدد یک نزدیکتر باشد، رابطه متغیرها قوی‌تر است. همچنین، علامت + از وجود رابطه مستقیم و علامت - از رابطه معکوس خبر می‌دهند. نتایج این آزمون در زیر آمده است.

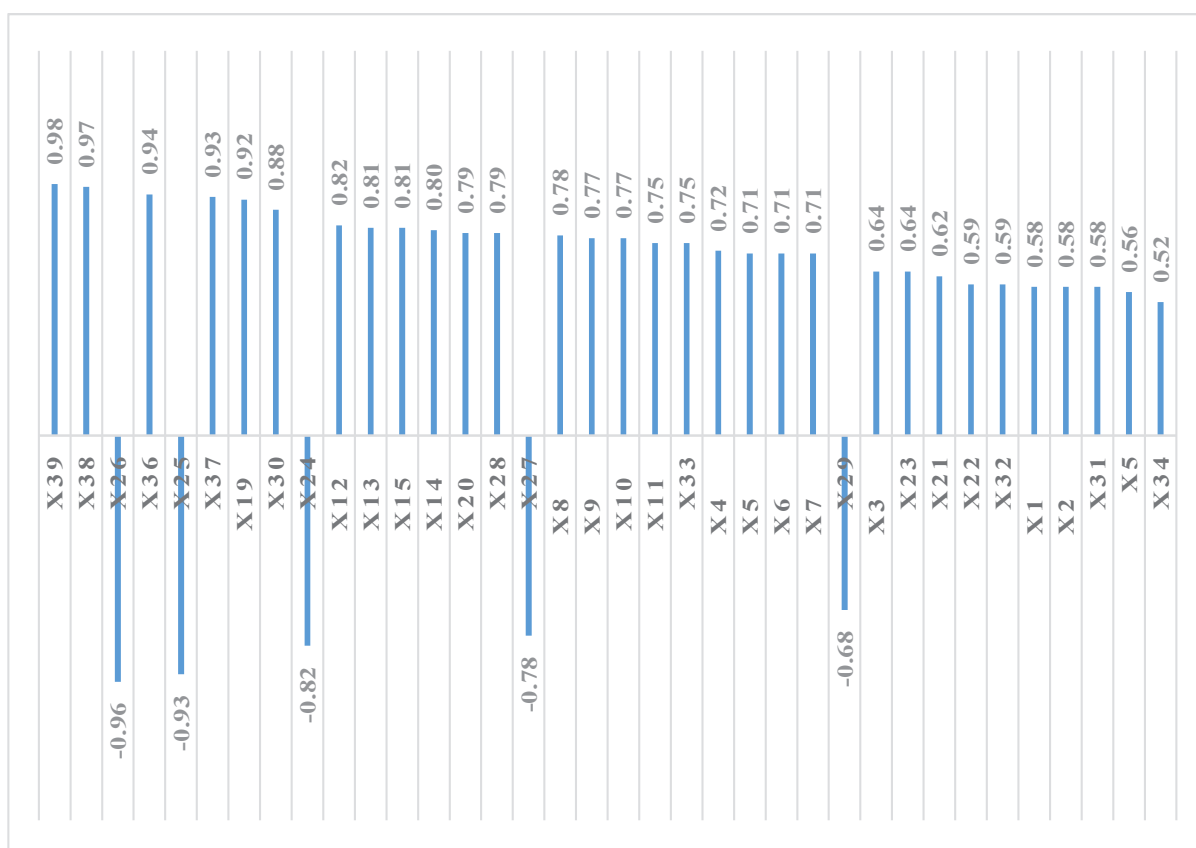
جدول ۱۰: نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیر	سطح معنی داری	میزان همبستگی	تفسیر	متغیر	سطح معنی داری	میزان همبستگی	تفسیر
	0	0.58	متوسط	X21	0.02	0.62	قوی
	0.01	0.58	متوسط	X22	0.01	0.59	متوسط
	0.01	0.64	قوی	X23	0.01	0.64	قوی
	0.03	0.72	قوی	X24	0	-0.82	بسیار قوی معکوس
	0.04	0.71	قوی	X25	0	-0.93	بسیار قوی معکوس
	0.04	0.71	قوی	X26	0.02	-0.96	بسیار قوی معکوس
	0.04	0.71	قوی	X27	0.04	-0.78	قوی معکوس
	0.02	0.78	قوی	X28	0.02	0.79	قوی
	0.02	0.77	قوی	X29	0.01	-0.68	قوی معکوس
	0.03	0.77	قوی	X30	0.04	0.88	بسیار قوی
	0.03	0.75	قوی	X31	0.04	0.58	متوسط
	0.04	0.82	بسیار قوی	X32	0.04	0.59	متوسط
	0.4	0.81	بسیار قوی	X33	0.04	0.75	قوی
	0.04	0.8	بسیار قوی	X34	0.04	0.52	متوسط
	0.04	0.81	بسیار قوی	X5	0.03	0.56	متوسط
	0.06	0.83	-	X36	0.01	0.94	بسیار قوی
	0.06	0.81	-	X37	0.04	0.93	بسیار قوی
	0.06	0.85	-	X38	0.02	0.97	بسیار قوی
	0	0.92	بسیار قوی	X39	0.02	0.98	بسیار قوی
	0.01	0.79	قوی				

در جدول بالا X_i به متغیرهای مستقل مربوط است و میزان همبستگی آن‌ها با متغیر وابسته (Y)، «نفوذ تصمیمات شورای امنیت»، در ستون سوم نمایش داده شده است. از میان متغیرها، X16، X17 و X18 معنی دار نیستند، زیرا سطح معنی داری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است. همچنین، در میان متغیرهای مستقل، به ترتیب متغیرهای X39، X38، X36 و X37 و قویترین رابطه همبستگی مستقیم و به ترتیب متغیرهای X26، X25، X24 و X29 در قویترین رابطه همبستگی معکوس با متغیر وابسته قرار دارند. همچنین، با توجه به جدول ۳، تفسیر رابطه میان متغیر مستقل و وابسته در ستون «تفسیر» صورت گرفته است.

همان‌طور که می‌بینیم به غیر از ۷ متغیر (X1، X2، X22، X31، X32، X34 و X35) رابطه سایرین با متغیر وابسته قوی و بسیار قوی است. با ترسیم این نتایج در نمودار زیر نتایج تحلیلی بهتری حاصل می‌شود.

نمودار ۲: درجه و رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (از بالاترین به پایین‌ترین درجه)



همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، «ناتو»، «اتحادیه اروپا»، «شاخه خراسان داعش»، «آمریکا» و «شبکه حقانی» به ترتیب بالاترین ضرایب را داشته‌اند، در حالی که «روسیه»، «قطر»، «عربستان سعودی» و قوم «تاجیک» از کمترین ضرایب برخوردار بوده‌اند. همچنین، «داعش»، «شبکه حقانی»، «طالبان»، «پاکستان» و «القاعده» تنها بازیگران مخالف تصمیمات شورای امنیت بوده‌اند که سه مورد نخست مخالفتی شدید از خود نشان داده‌اند؛ در مقابل، سایر بازیگران در مجموع از همراهی با این تصمیمات برخوردار بوده‌اند.

بر اساس «مدل تبعیت متزلزل»، انتظار می‌رفت قدرت‌های حامی وضع موجود بیشترین همراهی را با تصمیمات شورای امنیت داشته باشند و در مقابل، بیشترین مخالفت از سوی گروه‌های شبه‌نظامی مخالف دولت صورت گیرد. یافته‌ها نیز این پیش‌بینی را تأیید می‌کنند. این گروه‌ها از پیوندهای مذهبی و قومی مشترک با بخش مهمی از جامعه پشتون افغانستان برخوردار بوده و در عین حال منتقد نظم بین‌المللی موجود هستند. از این‌رو، هنجارهای آنان با هنجارهای غالب بین‌المللی در تعارض و با بخشی از هنجارهای داخلی در همسویی قرار دارد.

در مقابل، نهادهای جامعه مدنی و احزاب سیاسی سطح نسبتاً بالایی از همراهی را نشان داده‌اند. این نهادها عمدتاً در دوره پس از ۲۰۰۱ و با حمایت بازیگران و نهادهای بین‌المللی شکل گرفتند و فعالیت بسیاری از آنها پس از بازگشت طالبان محدود یا متوقف شد. بنابراین، در بازه زمانی مورد مطالعه، تداوم فعالیت و بقای آنها تا حد زیادی به حمایت‌های بین‌المللی وابسته بوده است. میزان همراهی نهادهای مدنی اندکی بیش از احزاب سیاسی بوده که می‌توان آن را ناشی از ارتباط گسترده‌تر احزاب با جامعه و نفوذ بیشتر هنجارهای قومی، مذهبی و محلی در آنها دانست.

در میان ارکان دولت نیز «قوه مجریه» بیشترین همراهی را با تصمیمات شورای امنیت داشته است. مطابق مدل تبعیت متزلزل، این نهاد به دلیل وابستگی بیشتر به حمایت خارجی و نیاز به حفظ ثبات و بقای سیاسی، بیشترین همسویی را با نهادهای بین‌المللی از خود نشان می‌دهد. در مقابل، میزان همراهی «شورای ملی» و «قوه قضائیه» کمتر بوده است؛ زیرا با فاصله گرفتن از قوه مجریه، نفوذ قدرت‌های خارجی کاهش یافته و ارزش‌ها و مطالبات قومی، مذهبی و اجتماعی مجال بیشتری برای تأثیرگذاری یافته‌اند. همچنین، سطح همراهی در «ارتش» و «پلیس» حتی از قوه قضائیه و پارلمان نیز کمتر بوده است که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری گسترده کشورهای غربی نتوانسته هنجارهای ضدغربی را به‌طور کامل در این بخش‌ها تضعیف کند.

در سطح منطقه‌ای، «پاکستان» تنها بازیگری بوده که مخالفت قابل توجهی با تصمیمات شورای امنیت نشان داده است. این کشور در چارچوب رقابت راهبردی با هند و پیگیری منافع ملی خود، از دهه ۱۹۹۰ از برخی گروه‌های قومی و مذهبی حمایت کرده است. در مقابل، سایر بازیگران منطقه‌ای حفظ ثبات افغانستان و جلوگیری از سرایت ناامنی به مرزهای خود را در راستای منافع ملی‌شان ارزیابی کرده‌اند. از این رو، حتی «جمهوری اسلامی ایران» نیز با وجود اختلافات ایدئولوژیک با برخی قدرت‌های بین‌المللی، در مجموع همراهی نسبتاً مناسبی با تصمیمات شورای امنیت داشته است.

در میان قدرت‌های بین‌المللی، «روسیه» کمترین میزان همراهی را نشان داده است. با این حال، مجاورت جغرافیایی و نگرانی از گسترش بی‌ثباتی موجب شده که این کشور نیز در نهایت ثبات افغانستان را بر تقابل با نظم موجود ترجیح دهد. همچنین، عربستان سعودی و قطر با وجود سابقه حمایت از برخی گروه‌های مذهبی و قومی، در مجموع حفظ دولت و ثبات افغانستان را بر پیگیری اهداف ایدئولوژیک مقدم دانسته و از تصمیمات شورای امنیت حمایت کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین میزان نفوذ تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان و شناسایی عوامل مؤثر بر اجرای این تصمیمات انجام شد. برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که موفقیت یا ناکامی سیاست‌های شورای امنیت را عمدتاً از منظر عملکرد دولت یا رفتار بازیگران منفرد بررسی کرده‌اند، این پژوهش با ارائه «مدل تبعیت متزلزل در دولت‌های در مانده» فرایند تبعیت را در بستر واقعیت‌های ساختاری افغانستان تحلیل کرد.

یافته‌ها نشان می‌دهد افغانستان در دوره مورد مطالعه ویژگی‌های بارز یک دولت درمانده را داشته است؛ دولتی که در آن اقتدار سیاسی، مشروعیت اجتماعی و کنترل سرزمینی میان بازیگران متعدد توزیع شده بود. در چنین شرایطی، تصمیمات شورای امنیت با تبعیت یکپارچه مواجه نشدند. قوه مجریه، نهادهای مدنی و بخش مهمی از ساختار رسمی حکومت به دلیل وابستگی مالی، سیاسی و امنیتی به جامعه بین‌المللی بیشترین همراهی را با اهداف شورای امنیت داشتند. در مقابل، طالبان، شبکه حقانی و سایر گروه‌های مسلح مخالف دولت به دلیل شکاف هنجاری با نظم سیاسی مورد حمایت جامعه بین‌المللی مقاومت کردند.

تحلیل نتایج نشان می‌دهد میزان تبعیت از تصمیمات شورای امنیت تابع پنج متغیر اصلی بوده است. ظرفیت دولت، رقابت بازیگران داخلی، شکاف هنجاری جامعه، وابستگی خارجی حکومت و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. هرچه این عوامل تشدید شده‌اند، تبعیت از تصمیمات شورای امنیت نیز متزلزل‌تر شده است. از این رو، ناکامی نسبی بسیاری از سیاست‌های بین‌المللی در افغانستان را نمی‌توان صرفاً به ضعف قطعنامه‌ها یا کمبود منابع نسبت داد، بلکه باید آن را نتیجه فقدان اجماع میان بازیگران مؤثر بر ساختار قدرت این کشور دانست.

از منظر نظری، پژوهش حاضر نشان می‌دهد مدل‌های کلاسیک تبعیت بین‌المللی که دولت را بازیگری یکپارچه و دارای ظرفیت اجرایی کافی فرض می‌کنند، در تبیین رفتار دولت‌های درمانده با محدودیت‌های جدی مواجه‌اند. مدل تبعیت متزلزل این خلأ را با پیوند ابعاد ساختاری، هنجاری و ژئوپلیتیکی پر کرده و چارچوبی برای مطالعه سایر دولت‌های بحران‌زده فراهم می‌آورد. بر این اساس، موفقیت یا ناکامی تصمیمات بین‌المللی بیش از قدرت حقوقی آنها، به میزان همراهی یا مقاومت بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بستگی دارد.

یافته‌های پژوهش برای جمهوری اسلامی ایران نیز اهمیت دارد. ایران به دلیل مرز طولانی، پیوندهای تاریخی و فرهنگی، مسئله مهاجرت، تروریسم و قاچاق مواد مخدر، از بازیگران اصلی محیط امنیتی افغانستان است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اتکا صرف به دولت مرکزی افغانستان یا سازوکارهای رسمی بین‌المللی برای تأمین ثبات این کشور کافی نیست؛ زیرا در دولت‌های درمانده، قدرت میان شبکه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی توزیع شده است. بنابراین، سیاست افغانستانی جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر تعامل هم‌زمان با دولت، نخبگان قومی، گروه‌های اجتماعی، بازیگران محلی و سازوکارهای منطقه‌ای باشد.

تجربه افغانستان همچنین نشان می‌دهد موفقیت ابتکارات امنیتی و سیاسی در منطقه مستلزم درک الگوی تبعیت متزلزل بازیگران است. شناخت شبکه‌های قدرت و ظرفیت‌های اجتماعی می‌تواند به ایران در مدیریت تهدیدات مرزی، کنترل جریان‌های افراطی، کاهش آثار مهاجرت‌های گسترده و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای کمک کند. در نتیجه، مهم‌ترین درس تجربه افغانستان آن است که ثبات پایدار در دولت‌های درمانده نه از طریق تمرکز بر یک بازیگر، بلکه از طریق مدیریت هم‌زمان مجموعه‌ای از بازیگران و متغیرهای داخلی و خارجی حاصل می‌شود.

منابع

- بشیری، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی، چاپ سوم، تهران: نگاه معاصر.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی‌ام، تهران: گنج دانش.
- طالبی، معصومه (۱۳۹۲)، وضعیت امنیتی افغانستان پس از ۲۰۱۴، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC)، <http://peace-i>
- عادل، ذکیه (۱۳۸۷)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحولات افغانستان، از زمان اشغال افغانستان توسط شوروی تا اولین انتخابات ریاست جمهوری، تهران، محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان)
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- موسسه انکشاف و حمایت از زنان و کودکان افغان (۴/۷/۱۴۰۴)، خانه: <https://dsawco.org/dsawco>

References

- Adeli, Zakiya. (2008), The United Nations Security Council and Developments in Afghanistan: From the Soviet Occupation of Afghanistan to the First Presidential Election. Tehran: Erfan Publications. [in Persian]
- Afghan Child Advocate Organization (2025.9.19): <https://acaorganization.org/>
- Afghanistan 2004 Constitution
- Afghanistan Institute for Civil Society (2025.9.16), about us: <https://aicsafg.org/#>
- aicsafg.org (2025.9.17), Afghanistan Civil Society Forum (ACSFO): <https://aicsafg.org/afghanistan-civil-society-forum-acsf-is-certified-by-afghanistan-institute-for-civil-society/>
- Alam, Abdolrahman. (2004), Foundations of Political Science. Tehran: Ney Publications. [in Persian]
- Allison, G., & Zelikow, P. (1999), Essence of decision: Explaining the Cuban missile crisis (2nd ed.). Longman.
- Assembly, U. G. (2014), Security Council. Report of the Panel on United Nations Peace Operations.
- Barthwal, N. (2021), Taliban 2.0: Analyzing the elements of its victory in Afghanistan. Center for Land warfare studies.
- Bashiriyeh, Hossein. (2003), Political Science Education (3rd ed.). Tehran: Negah-e Moaser. [in Persian]
- Bizhan, N. (2018), Building legitimacy and state capacity in protracted fragility: The case of Afghanistan. Oxford University & Australian National University.
- Chayes, A., & Chayes, A. H. (1995), The new sovereignty: Compliance with international regulatory agreements. Harvard University Press.
- CIA World Factbook (2025.9.17), Afghanistan: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/afghanistan/#people-and-society>
- Civil Society and Human Rights Network(CSHRN)2025.9.17), about us:
- Community Schemes Ombud Service Act
- Dancey, C. P., & Reidy, J. (2017), Statistics Without Maths for Psychology (7th ed.). Pearson Education.
- Danish Institute for Human Rights (2025.9.17), Strengthening the Human Rights Network in Af-

- ghanistan: <https://www.humanrights.dk/result/strengthening-human-rights-network-afghanistan>
- Development and Support Association for Afghan Women and Children (DSAWCO). (2025, October 4). Home Page. Available at: <https://dsawco.org/dsawco/> [in Persian]
 - Dorronsoro, Gilles. *Revolution Unending: Afghanistan, 1979 to the Present*. Columbia University Press, 2005
 - Droubi, S. (2014), *Resisting United Nations Security Council Resolutions*. Routledge.
 - EUROPEAN COURT OF AUDITORS (2015), *The EU police mission in Afghanistan: mixed results*,
 - European Union Agency for Asylum (last update April 2022), *Islamic State Khorasan Province (ISKP)*: https://euaa.europa.eu/country-guidance-afghanistan-2022/14-islamic-state-khorasan-province-iskp?utm_source=chatgpt.com
 - Field, A. (2018), *Discovering Statistics Using IBM SPSS Statistics* (5th ed.). Sage Publications.
 - Finomore, M. (1996), *National interests in international society*. Cornell University Press.
 - George, D., & Mallery, P. (2003), *SPSS for Windows Step by Step: A Simple Guide and Reference, 11.0 Update* (4th ed.). Allyn & Bacon.
 - Ghasemi, A., & Zahediasl, S. (2012), *Normality tests for statistical analysis: A guide for non-statisticians*. *International Journal of Endocrinology and Metabolism*, 10(2).
 - Gravetter, F. & Wallnau, L. (2020), *Statistics for the Behavioral Sciences* (11th ed.). Cengage Learning
 - Gravetter, F. J., & Wallnau, L. B. (2014), *Essentials of Statistics for the Behavioral Sciences* (8th ed.). Wadsworth Cengage Learning.
 - Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., & Anderson, R. E. (2019), *Multivariate Data Analysis* (8th ed.). Pearson Education.
 - <https://cshrn.org/about-us/>
 - Johnson, T. H., & Mason, M. C. (2008), *No sign until the burst of fire: Understanding the Pakistan-Afghanistan frontier*. *International Security*, 32(4), 41-77.
 - Khoruk, M. (2024), *Illicit economies in Afghanistan under the taliban*. Geneva: Global initiative against transnational organised crime.
 - Lake, D. A. (2009), *Hierarchy in international relations*. Cornell University Press.
 - Lurie, D. (2020), *The Haqqani Network*.
 - Migdal, J. S. (1988), *Strong societies and weak states: State-society relations and state capabilities in the Third World*. Princeton University Press.
 - Minority Rights Group (2025.9.17), *Afghanistan*: https://minorityrights.org/country/afghanistan/?utm_source=chatgpt.com
 - Nunnally, J. C. (1978), *Psychometric Theory* (2nd ed.). McGraw-Hill.
 - Nunnally, J. C., & Bernstein, I. H. (1994), *Psychometric Theory* (3rd ed.). McGraw-Hill.
 - Odonnell, S. W., Shaw, D., & Ullom, T. J. (2021), *Operation Freedom's Sentinel*.
 - Organization for Research, Community and Development (2025.9.19): <https://www.orcd.org/>
 - Ramazaniandarzi, A. A., & Javadikouchaksaraei, M. (2015), *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*.
 - Razali, N. M., & Wah, Y. B. (2011), *Power comparisons of Shapiro-Wilk, Kolmogorov-Smirnov, Lilliefors and Anderson-Darling tests*. *Journal of Statistical Modeling and Analytics*, 2(1).
 - *Report to Congress* (December 2019), *Enhancing Security and Stability In Afghanistan*.
 - *Resolution* (1991-2025), United Nations, Security Council
 - Rotberg, R. I. (Ed.). (2004), *When states fail: Causes and consequences*. Princeton University

- Press.
- Rubin, B. R. (2002), *The fragmentation of Afghanistan: State formation and collapse in the international system*. Yale University Press.
 - Rubin, B. R. (2006), *Peace building and state-building in Afghanistan: Constructing sovereignty for whose security?* *Third World Quarterly*, 27(1), 175–185. <https://doi.org/10.1080/01436590500370038>
 - Rubin, B. R. (2013), *Afghanistan from the Cold War through the War on Terror*. Oxford University Press.
 - Saikal, A. (2012), *The UN and Afghanistan: Contentions in democratization and statebuilding*. *International Peacekeeping*, 19(2), 217–234. <https://doi.org/10.1080/13533312.2012.665701>
 - Shahrani, H. (2022), *Local conflicts and foreign fighters: The “Afghan Arabs” phenomena during Afghan conflict, 1978–2021*. *Journal of Liberty and International Affairs*, 8(3), 560–579.
 - Sonnenfeld, R. (2024), *Resolutions of the United Nations Security Council (Vol. 8)*. Martinus Nijhoff Publishers.
 - Streiner, D. L. (2003), “Starting at the Beginning: An Introduction to Coefficient Alpha and Internal Consistency.” *Journal of Personality Assessment*, 80(1), 99–103.
 - Suhrke, A., Harpviken, K. B., & Strand, A. (2004), *Conflictual peacebuilding: Afghanistan two years after Bonn*. Chr. Michelsen Institute.
 - Talebi, Masoumeh. (2013), “The Security Situation in Afghanistan after 2014.” *International Peace Studies Centre (IPSC)*, Available at: <http://peace-ipsc.org> [in Persian]
 - Tavakol, M., & Dennick, R. (2011), “Making Sense of Cronbach’s Alpha.” *International Journal of Medical Education*, 2, 53–55.
 - The Swedish Committee for Afghanistan (2025.9.19), about Sida: <https://www.sida.se/en/about-sida/publications-archive/the-swedish-committee-for-afghanistan>
 - UN, Office on Drug and Crime (retrieved 2025/09/17), *OPIUM PRODUCTION THROUGHOUT THE WORLD*.
 - United Nations (Retrieved 1 March 2025), “*Resolutions adopted by the Security Council in 2025*”. New York City, U.S.
 - United Nations Security Council. (2022), *Thirteenth report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team submitted pursuant to resolution 2611 (2021) concerning the Taliban and other associated individuals and entities constituting a threat to the peace, stability and security of Afghanistan (S/2022/419)*, United Nations.
 - United Nations. (2004), *The situation in Afghanistan and its implications for international peace and security (S/2004/230)*, United Nations Security Council.
 - Waltz, K. N. (1979), *Theory of international politics*. Addison-Wesley.
 - Worldometer (2020), *Afghanistan Population*: <https://www.worldometers.info/world-population/afghanistan-population/>
 - Yol, F., Akbaş, G. G., & Dumankaya, E. M. (2024), *The Haqqani Network*. In *Handbook of Terrorist and Insurgent Groups* (pp. 559-568). CRC Press.
 - Yong, Nicholas (12 December 2023), *Myanmar overtakes Afghanistan as top opium producer*: <https://www.bbc.com/news/world-asia-67688413>
 - Ziaei Bigdeli, Mohammad Reza. (2007), *Public International Law* (30th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [in Persian]
 - Zürcher, C. (2012), *Conflict, state fragility and aid effectiveness: Insights from Afghanistan*. *Conflict, Security & Development*, 12(5), 461–480. <https://doi.org/10.1080/14678802.2012.74418>